

خوشا آنان که الله یارشان بی

به حمد و قُل هوَ الله کارشان بی



مصروف در ادامه



معنی: خوشا به حال آنان که خداوند یارشان است و دائم به خواندن قرآن (حمد و قل هو الله) مشغول اند.

واژه: خوشا: خوش به حالشان باشد. * * * * * الله: خدا * * * * * بی: باشد

تعداد جمله: ۳ جمله (۲ فعل مخفف شده و ۱ صوت) خوشا (خوش به حال آنها باشد) آنان که الله یارشان بود، به حمد و قل هو الله کارشان بود.

آرایه: تلمیح: به سوره ی حمد و قل هو الله ...

خوشا آنان که دائم در نمازند

بهشت جاودان بازارشان بی

محمودیان / آید



معنی: خوشا به حال آنان که پیوسته نماز می خوانند. بهشت جایگاه آن هاست و پاداش خود را در آن می گیرند.

تعداد جمله: ۳ جمله (۲ فعل مخفف شده و ۱ صوت) خوشا (خوش به حال آنها باشد) آنان که دائم در نماز هستند و بهشت جاودان بازارشان بود.

خداوندا به فریاد دلم رس

کسِ بی کسِ تویی، من مانده بی کس

لیلا محمودی زاده



معنی: **خدا** یا به درد دل من توجه کن. تو تنها یار بی گسان هستی. من اکنون تنها و بی کس مانده ام.

تعداد جمله: ۴ جمله (۱ منادا، ۲ فعل و ۱ فعل مخفف) خداوندا (منادا) به فریاد دلم یرس. کس بی کس تو هستی. من بی کس مانده ام.

همه گویند طاهر کس نداره

خدا یار منه چه حاجت کس

پیار محمودزاده



معنی: همه می گویند «طاهر» بی کس است. خداوند یار و یاور من است و من هیچ نیازی به کسی ندارم.

واژه: طاهر: بابا طاهر همدانی ***** حاجت: احتیاج، نیاز

تعداد جمله: ۴ جمله (۲ فعل، ۱ فعل مخفف و ۱ فعل حذف شده) همه گویند طاهر کس نداره، خدا یار من (است) چه حاجت کس (است).

ای نام تو رویده به گلدان لبم

در مرحمت تو غوطه ور، روز و شبم

پایه محمودزاده



معنی: ای کسی که لبم مدام نام تو را تکرار می کند و شبانه روز در دریای لطف و محبت تو شناورم.

واژه: مرحمت: لطف و مهربانی ***** غوطه ور: شناور

تعداد جمله: ۳ جمله (۱ منادای حذف شده، ۱ فعل و ۱ فعل مخفف) ای (خدایی که) نام تو به گلدان لبم رویده است، در مرحمت تو روز و شب غوطه ور هستم.

آرایه: ۲ تشبیه: ۱- تشبیه لب به گلدان ۲- تشبیه لطف و مهربانی خداوند به دریا

در خاکِ طلب، بذرِ دعا کاشته ام

بارانِ اجابت تو را می طلبم

پایلا محمودزاده



معنی: دانه ی دعا را در خاک طلب کاشته ام و منتظر باران پاسخ تو هستم تا بر آن بیارد و سبز شود. (منظور شاعر این است که حاجتی دارم و با دعا آن را از تو می خواهم و منتظر هستم که تو دعای مرا بشنوی و حاجتم را برآورده کنی.)

واژه: طلب: خواستن، خواهش ***** اجابت: جواب دادن، پاسخ دادن

تعداد جمله: ۲ جمله (۲ فعل) در خاک طلب بذر دعا کاشته ام و باران اجابت تو را می طلبم.

آرایه: ۱- سه تشبیه: تشبیه طلب به خاک، دعا به بذر و اجابت به باران.

۲- آرایه ی تناسب یا شبکه ی معنایی بین کلمه های: خاک، بذر و باران.

اگر آن سبز قامت، رو نماید

در باغِ خدا را می گشاید

پیرا محمود درزاده



معنی: اگر آن انسان روحانی سبز پوش (امام زمان (عج)) ظهور کند، در باغِ زیبایی های الهی را برای ما می گشاید. (زیبایی ها را به ما نشان می دهد).

واژه: سبز قامت: امام زمان (عج) که لباس سبز بر تن دارد. *** باغ خدا: بهشت

تعداد جمله: ۲ جمله (۲ فعل) اگر آن سبز قامت رو نماید، در باغ خدا را می گشاید.

آرایه: تلمیح: به ظهور امام زمان (عج)

تنم را فرش کردم تا بتازد

دلم را نذر کردم تا بیاید

پیرا محمود ذراذده



معنی: بدنم را فرش قدم هایش کرده ام تا بر آن بتازد و دلم را نذر آمدنش کرده ام. (ظهور امام زمان (عج) برای شاعر مانند آرزویی است که به خاطر آن نذر می کند تا آرزویش برآورده شود.)

واژه: نذر: شرط و پیمان، آن چه شخص بر خود واجب گرداند که در راه خدا بدهد یا به جا بیاورد.

تعداد جمله: ۴ جمله (۴ فعل) تنم را فرش کردم تا بتازد، دلم را نذر کردم تا بیاید.

آرایه: کنایه: فرش کردن تن و نذر کردن دل، کنایه از آماده و مهیا شدن است.